

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره برائت در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

محمدامین ستاریان* | طلبه سطح ۳ حوزه علمیه

مهدی گرجی‌ازندریانی | دکترای الهیات از دانشگاه قرآن و حدیث و دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه

چکیده

مفهوم حکمرانی به‌عنوان یکی از مفاهیم توسعه‌ی غربی، نیاز به بازآفرینی در ساحت گفتمان اسلامی دارد. در ادبیات دینی حکمرانی را می‌توان ارائه‌ی طریقی دانست که ایصال الی المطلوب را در پی خواهد داشت. از آن‌رو که در فرایند حکمرانی برخی تغییرات اجتماعی اقتضای تغییر احکام اجرا شده را دارد، می‌توان با مراجعه به منابع دینی، شرایط آن را شناسایی و در نظام جمهوری اسلامی جهت هرچه حکیمانانه‌تر شدن فرایند حکمرانی به‌کار بست. از سوی دیگر در مراجعه به بحث نسخ در علوم قرآنی، گزاره‌های مفیدی را جهت نیل به این هدف می‌توان یافت. مبنای نسخ مشروط که بیانگر تغییر احکام در پی تغییر شرایط و قوت گرفتن احکام منسوخ (به‌معنای عام) در صورت تحقق شرایط اجرای آن حکم است، به‌طور ویژه‌ای با هدف مذکور هم‌خوانی دارد. در این مقاله به «روش کتابخانه‌ای» و با محوریت تفسیر سوره برائت آیت‌الله خامنه‌ای، به بررسی آیات ناسخ و منسوخ پرداخته شده و با استخراج سه زنجیره آیه و بررسی سیاق آیات و فضای نزول آن‌ها برخی اصول حکمرانی استخراج شده است. این اصول ناظر به سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری روابط میان مسلمانان و دشمنان در برهه‌های ضعف و قوت مسلمین و شرایط تحقق برائت نهایی از مشرکان است. واژگان کلیدی: نسخ مشروط، حکمرانی، سوره برائت، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱- مقدمه

مفهوم حکمرانی (governance) به‌طور خاص از سال ۱۹۸۹ میلادی و پس از توصیه‌های بانک جهانی برای اصلاح روند رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه، بیش از پیش در ادبیات توسعه جهانی موردتوجه قرار گرفت. اما اختلاف مبانی اسلام با مبانی غربی توسعه و خطر گرت‌برداری‌های ناقص و تحمیل این توصیه‌ها به‌عنوان مطلوب نظام جمهوری اسلامی همواره نیاز به طرح مطالعات تطبیقی و اصلاح مبانی این توصیه‌ها و بومی‌سازی آن را برای نخبگان گوشزد می‌کند. از آن‌رو باید با تکیه بر مبانی دینی و روش حکمی و اجتهادی بزرگان و علمای سلف به بازخوانی، بازآفرینی و بومی‌سازی مبانی و اصول حکمرانی از منظر اسلام پرداخت و در این رهگذار از رد و ابطال نظریات غربی نهراسید.

تاریخ پُرفراز و نشیب صدر اسلام و عصر حضور معصومان (ع)، منبع غنی مطالعات حکمرانی چه در دوران تصدی حکومت و چه در دوران‌های پیش هجرت یا خانه‌نشینی یا مبارزه با خلفای جور است. از آن‌رو که تغییرات اجتماعی در این اعصار موجب تغییر روش‌های اهل بیت (ع) در راهبرد ثابت اقامه دین بوده و از سویی در مباحث علوم قرآنی پدیده نسخ و تغییر حکم قابل تطبیق بر این‌گونه تغییرات به‌ویژه در عصر نزول است، این پژوهش با رویکرد «نسخ مشروط» به مطالعه آیات ناسخ و منسوخ و استخراج اصول حکمرانی از آن می‌پردازد.

بررسی این مبنا به‌ویژه هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که در تجربه عینی معاصر خود پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، تغییرات احکام و قوانین در پی برخی تغییرات اجتماعی را شاهدیم و این‌گونه تغییرات احکام علاوه بر آنکه نیازمند بررسی شرایط و تعیین حدود و ثغور شرعی آن است، منشأ سؤالات بسیار افکار عمومی نیز خواهد بود. از آن‌رو که نسخ مشروط بخشی از فرایند حکمرانی نبوی را تشکیل می‌دهد و با توجه به آنکه این حکمرانی تحت مدیریت مستقیم الهی محقق شده است، بررسی مختصات آن جهت هرچه بیشتر حکیمانه شدن حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ضروری می‌نماید. در این پژوهش برآنیم که با روش کتابخانه‌ای و با محور قرار دادن تفسیر سوره براءت آیت‌الله خامنه‌ای و نگاه ایشان به مسأله نسخ، برخی اصول حکمرانی را استخراج کنیم. در این مقاله ابتدا به مشخص کردن آیات مورد مطالعه از دیدگاه نسخ مشروط می‌پردازیم و پس از آن با نگاه به سیاق آیات مذکور، سعی در تدبیر هرچه بیشتر تر پیرامون فضای نزول آن آیات جهت فهم هرچه بهتر شرایط اجتماعی در زمان نزول آیه می‌نمائیم و در نهایت اصول سیاست‌گذارانه و تنظیم‌گرانه حکمرانی را استخراج می‌نمیم.

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت ... (ستاریان و گرجی‌ازندریانی) ۱۱۵

با توجه به متأخر بودن نزول سوره براءت نسبت به آیاتی که درباره آن‌ها ادعای منسوخ بودن شده است، آیات اول^۱ و پنجم^۲ و بیست‌ونهم^۳ این سوره را به‌عنوان آیات ناسخ مورد بررسی قرار دادیم. همچنین از آن‌رو که هدف مقاله مطالعه تغییر شرایط اجتماعی منجر به تغییر حکم است، ناگزیر از بررسی آیات منسوخ نیز هستیم.

اصول استخراج شده ذیل متن با نوشتار پُرنرنگ مشخص شده است.

۲- مفهوم‌شناسی

پیش از آغاز بررسی به تعریف و توضیح اصطلاحات مورد استفاده می‌پردازیم:

۲-۱- نسخ

نسخ در لغت از میان برداشتن و ابطال امر موجود است (الزبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۳۱۹/۴) و جایگزین کردن چیزی به جای چیز دیگری است که دنبال آن می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۸۰۱/۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۶۱/۳) و در اصطلاح عبارت است از رفع تشریح سابق که به‌حسب ظاهر اقتضای دوام داشته، با تشریحی لاحق به‌گونه‌ای که امکان اجتماع این دو تشریح با هم وجود نداشته باشد. حال این تنافی یا ذاتی است یا با دلیل خاص (معرفت، ۱۳۶۸: ۲۷۴/۲).

اصطلاح نسخ در روایات کاربرد بسیاری دارد و با دقت در مصادیق آن درمی‌یابیم که بسیاری از استعمال‌های این لفظ، با اموری مانند عام و خاص و مطلق و مقید هم‌پوشانی پیدا می‌کند. در کنار این مطلب شبهات مستشرقان به قصد تنقیص وحی و حکمرانی نبوی نیاز به تعریف دقیق این مقوله را بیش از پیش مسجل ساخت. با توجه به اختلافات بسیار در شمار آیات ناسخ و منسوخ، تعریف مذکور دامنه این آیات را از ۲۲۸ آیه به کم‌تر از ۱۰ آیه فروکاست و پس از آن با واکاوی بیش‌تر در آیات مذکور، تنها آیه ۱۲ و ۱۳ مجادله^۴ (نجوا) با تعریف پیش‌گفته تطبیق کامل کرد (خوئی، ۱۴۳۰ ق: ۳۷۵).^۵

۲-۲- نسخ مشروط

تغییر راه‌کنش (تاکتیک) متناسب با تغییر شرایط و با حفظ راهبرد ثابت اقامه دین را می‌توان به‌عنوان تعریف نسخ مشروط پذیرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

این‌گونه نسخ شاید برای برخی تازگی داشته باشد، ولی با تأمل در بسیاری از آیاتی که منسوخ شمرده شده‌اند، می‌توان دریافت که نسخ آن‌ها نسخ مطلق نبوده، بلکه به شرایط خاص همان دوران بستگی داشته است. به این معنا که با تغییر آن شرایط و بهبود وضع، حکم سابق منسوخ گردیده و حکمی متناسب با شرایط جدید تشریح شده است و اگر

احیاناً همان شرایط زمانی و مکانی پیش آید، آیات مربوط از نو قوت گرفته و قابل اجرا است (معرفت، ۱۳۸۱: ۲۶۵).

۲-۳- حکمرانی

فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه‌گنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است.^۶

این مفهوم اگرچه با این چهارچوب در صدر اسلام مطرح نبوده است، اما با دقت در تاریخ آن دوران مشاهده می‌کنیم که پیامبر اعظم (ص) طی یک فرایند حساب شده و نزدیک به این تعریف و با تغییر راه‌کنش‌ها متناسب با تغییر شرایط، حکمرانی موفقی را پیاده‌سازی کرده‌اند. حکمرانی را می‌توان در ادبیات دینی ارائه‌طریقی دانست که ایصال الی المطلوب را در پی دارد (خسر و پناه، ۱۴۰۰) و با این متناظرسازی می‌توان برخی مختصات حکمرانی نبوی را با توجه به رویکرد نسخ مشروط، استخراج نمود.

حکمرانی سه گام اصلی دارد:

۲-۳-۱- سیاست‌گذاری

فرایندی است که با به تصویر کشیدن وضع مطلوب جامعه و لحاظ وضع موجود، باید و نبایدهای کلانی برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب تعیین می‌کند.

۲-۳-۲- تنظیم‌گری

فرایندی است به‌منظور اجرایی‌سازی سیاست‌ها که مهم‌ترین ارکان آن «قانون‌گذاری»، «ساختارسازی»، «گفتمان‌سازی»، «اعمال مقررات»، «پایش» و «اصلاح مقررات» است.

۲-۳-۳- تصدی‌گری / خدمات عمومی

این مرحله، مرحله به‌ثمر رسیدن سیاست‌هاست و در آن بسته به موضوع سیاست‌ها خدماتی که بناست در حوزه‌های مختلف به دست متصدیان گوناگون به جامعه رسانده شود، به نتیجه خود می‌رسد.

۳- بیان مسأله و ضرورت آن

هر نظام حکمرانی باید برای حفظ خود و پیشبرد اهدافش تدابیری برای تغییر شرایط اجتماعی اندیشیده باشد و نظام جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در صدر اسلام نیز سیر تغییرات شرایط اجتماعی راه‌کنش‌های پیامبر اکرم (ص) را با وجود حفظ راهبرد ثابت اقامه دین تغییر می‌داده است. برای نمونه یک روز در روز بدر، أحد و خندق جنگ نظامی در پیش گرفته شد و روز دیگر در ماجرای حدیبیه با همان دشمن قرارداد صلح امضا گردید. بخشی از این تغییرات شرایط را

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت ... (ستاریان و گرجی‌ازندریانی) ۱۱۷

می‌توان از آیات ناسخ و منسوخ کشف کرد. مبنای نسخ مشروط در شناختن این شرایط می‌تواند اهمیت به‌سزایی پیدا کند و در نهایت با فهم این تغییرات اصول حکمرانی متناسب با شرایط مختلف استخراج شود.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره لزوم شناخت شرایط مختلف و در پی آن شناخت تکلیف، این‌گونه به آیات قرآن استناد می‌نمایند:

جریان کلی دنیا، جریان استکبار و جریان نظام سلطه است؛ یعنی یک عده سلطه‌گرنده، یک عده هم زیربار این سلطه می‌روند، سلطه‌پذیرند؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت می‌کنیم؛ در این چهل سال این‌جوری پیش رفته‌ایم، این‌جوری حرکت کرده‌ایم. طبعاً اوضاع و احوالی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر باید نسبت به این اوضاع و احوال حواس‌مان جمع باشد، دقت‌مان زیاد باشد، جوانب گوناگون قضیه را دائماً رصد کنیم و بسنجیم و ببینیم.

در صدر اسلام هم قضیه همین‌جور بوده است. در آنجا هم اقتضانات گوناگون و شرایط گوناگون، وظایف گوناگونی به وجود می‌آورد. یک روز خدای متعال می‌فرماید که «إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (انفال، ۶۵) یک روز می‌فرماید: «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (انفال، ۶۶). یعنی یک روز باید با ده برابر بجنگند، یک روز با دو برابر باید بجنگند. در حکمت الهی بلاشک قصوری وجود ندارد، حُب معلوم است، این مربوط به شرایط می‌باشد. در یک شرایطی وضع جوری است که خدای متعال می‌گوید باید یک نفرتان با ده نفر بجنگید، یک شرایط دیگر هم پیش می‌آید که وضع جوری است که خدای متعال می‌فرماید یک نفرتان با دویست نفر باید بجنگید. این اختلاف شرایط، اختلاف احکام و اختلاف تکالیف را پیش می‌آورد. یک روز، بدر است و حرکت آن چنانی یا فتح مکه است و مانند این‌ها، یک روز هم «إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ» در روز حنین می‌باشد. «وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شِئًا» (براءت، ۲۵) این‌جوری است. در هر جایی یک شرایطی وجود دارد، باید بر طبق آن شرایط عمل کرد. حُب اگر از شرایط غفلت شد، ضرر می‌کنیم؛ چه مردم شرایط را ندانند، چه نخبگان به شرایط توجه نداشته باشند. به‌خصوص اگر چنانچه نخبگان از اوضاع و شرایط و وضعیت موجود و جایگاهی که نظام قرار دارد غفلت کنند، ضرر به خواهیم خورد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵).

۴- پیشینه

- مطالعه انتقادی دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت در نسخ قرآن/ پدیدآورنده: محمدامین روشن ضمیر/ دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم/ ۱۳۹۷: نویسنده در این مقاله با بررسی

مبانی آیت‌الله معرفت از کتاب التهمید تا کتاب تفسیر الاثری الجامع سیر تغییر دیدگاه‌های ایشان در باب نسخ قرآن را روشن ساخته و دیدگاه متأخر ایشان مبنی بر نفی هرگونه نسخ اصطلاحی در قرآن و جایگزینی دو مبنای نسخ مشروط (تغییر احکام ناشی از تغییر شرایط) و مبنای نسخ تمهیدی (همگامی ظاهری با یک سنت نه‌چندان مطلوب برای تغییر اساسی آن و یا محو آن) می‌رسند.

- بررسی اصول حکمرانی مطلوب در قرآن و حقوق عمومی / پدیدآورنده: نسرين كردنژاد/ دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم / ۱۳۹۵: این مقاله به بررسی تطبیقی - انتقادی الگوی «حکمرانی مطلوب» به‌عنوان یک تجربه بشری با موازین مطروحه در قرآن کریم و منابع اسلامی و بررسی نظرات مختلف در رد و پذیرش اصول حکمرانی مطلوب در اداره جمهوری اسلامی می‌پردازد. نویسنده با بیان اینکه برخی اصول حکمرانی مطلوب (یعنی حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و شفافیت) با توجه به مبانی قرآنی و حقوق عمومی در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین اجرایی بالاتری نسبت به توصیه‌های نسخه بانک جهانی دارند، در نهایت به بیان نتایج این مقایسه و نقد و تطبیق در این سه حوزه می‌پردازد.

- بررسی مقایسه‌ای نظریه نسخ در آراء علامه عسکری و علامه طباطبایی / پدیدآورنده: صدیقه داراب درب‌ساز/ دانشکده اصول‌الدین، شعبه تهران / ۱۳۹۱: این مقاله موضوع اختلاف تعداد آیات ناسخ و منسوخ را از دیدگاه علامه عسکری و علامه طباطبایی مقایسه می‌کند و در نهایت بیان می‌نماید که علامه عسکری با تبیین دو نوع وحی قرآنی و بیانی و به استناد تاریخ و ترجمه لغات آیات، در برخی مصادیق ذکر شده در روایات و کتب دیگر، معتقد به عدم وجود آیات منسوخ در قرآن بوده و علامه طباطبایی با غالب دانستن روایات نسخ و به استناد ترجمه‌ای که از آیات قرآن (۲/۱۰۶ و ۱۶/۱۰۱) بیان می‌کند ۸ آیه از آیات قرآن را منسوخ و خارج از دایره عمل می‌داند.

- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های آیت‌الله خویی و آیت‌الله جوادی‌آملی پیرامون نسخ در قرآن کریم / پدیدآورنده: محمد امیری / دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی / ۱۳۹۲: نویسنده در نهایت به این نتیجه می‌رسد که از لحاظ مصداقی بین دو شخصیت بررسی شده

اختلاف نظری وجود ندارد و تنها در رد برخی آیات مشهور به نسخ تفاوت استدلال و گاهی تضاد در آن مشاهده می‌شود.

مزیت پژوهش حاضر تلفیق یک مبنای علوم قرآنی با مسائل حکمرانی و بازگشایی ابعاد جدیدتری در حوزه مورد مطالعه است.

۵- آیات ناسخ و منسوخ بررسی شده

برای تعیین آیات ناسخ و منسوخ ابتدا باید به زمان‌بندی نزول آیات قرآن توجه ویژه نمود. اگرچه تاریخ دقیق نزول همه آیات مشخص نیست؛ ولی در روایات از سوره‌های براءت (قمی، ۱۴۱۵ ق: ۲۸۱/۱)، نصر (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶۲۸/۲) و مائده (یعقوبی، ۱۳۷۹ ق: ۴۳/۲) به‌عنوان آخرین سوره نازل شده نام برده شده است. برای جمع میان روایات می‌توان گفت که سوره نصر آخرین سوره نازل شده به‌صورت کامل، سوره براءت آخرین سوره براساس نزول آیات ابتدایی و همچنین سوره مائده آخرین سوره براساس نزول آیه اکمال دین است (معرفت، ۱۳۸۱: ۷۸). در مصدری که سوره براءت را آخرین سوره دانسته، این امر با توجه به تصریح روایت مذکور در آن مصدر، به تغییر رویه نظامی پیامبر (ص) پس از نزول آیات براءت، این سوره به‌عنوان آخرین سوره نازل شده تعیین گشته است. با توجه به محوریت مبارزه با دشمنان در آیات ابتدایی براءت و ارتباط بحث نسخ مشروط با تغییر شرایط اجتماعی این مقدار که نزول آیات سوره براءت متأخر از سایر آیات جهاد و قتال می‌باشد، برای شکل‌گیری معیار این مقاله کافی است. در ضمن با توجه به فهرست آیات مورد ادعای نسخ و عدم امکان منسوخ بودن آیات سوره براءت به علت این تأخر، تنها به بررسی سلسله آیتی می‌پردازیم که آیات براءت در آن سلسله به‌عنوان ناسخ تصویر شده باشد. مجموعه آیات بررسی شده طبق این منطق در سه زنجیره آیه می‌گنجد. هر کدام از این زنجیره‌ها دارای مراحل است که هر مرحله را می‌توان طبق معنای عمومی نسخ، ناسخ مرحله قبل دانست. این سه زنجیره عبارت‌اند از:

۱. آیات صفح (معرفت، ۱۳۶۸: ۳۱۱/۲)

این آیات در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱/۱. آیات صفح ناظر به مشرکان

در مرحله اول طبق آیه ۱۴ جاثیه^۷ و همچنین آیه ۸۹ زخرف^۸ مسلمانان مأمور به خویشتن‌داری در برخورد با مشرکان می‌شوند. سپس طبق ادعای برخی مفسران متقدم این آیه با نزول آیه ۳۹ حج^۹ نسخ می‌گردد و درنهایت با نزول آیه ۵ براءت دیگر مراعات هرگونه عهد و پیمان میان مسلمانان و مشرکان ملغی شده و به‌صراحت به آنان اعلام جنگ می‌شود.

۱/۲. آیات صفح ناظر به اهل کتاب

در مرحله ابتدایی این سیر آیه ۱۰۹ بقره^{۱۰} و ۱۳ مائده^{۱۱} را داریم که دال بر گذشت از اهل کتاب است. در مرحله بعدی طبق آیه ۲۹ براءت، دستور «یا اسلام، یا قتال و یا جزیه» صادر می‌شود.

۲. آیات معاهده

در این سلسله آیات، آیه اول براءت ناسخ آیاتی شمرده شده است که دال بر نوعی معاهده میان مسلمانان و مشرکان است. آیات ۹۰ و ۹۲ نساء^{۱۲}، ۷۲ انفال^{۱۳} و ۱۰ ممتحنه^{۱۴} از آیاتی است که همگی دال بر انواع معاهدات در حوزه‌های مختلف است و با نزول آیه اول براءت، پایبندی به آن پیمان‌ها از بین می‌رود (معرفت، ۱۳۶۸: ۳۱۳/۲).

۳. آیات بیانگر تدریجی بودن تشریح قتال

در ابتدای بعثت و در دوران مکه، همان‌طور که در آیات صفح گفته شد، مسلمانان مجاز به برخورد با مشرکان نبودند. در مرحله نخست بعد از هجرت با نزول آیه ۳۹ حج اذن در قتال دفاعی با مشرکان به‌عنوان حق انسانی مسلمانان صادر شد. همچنین در این مرحله آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ بقره^{۱۵} را نیز می‌توانیم مطرح کنیم. در مرحله دوم با نزول آیه ۹۱ نساء^{۱۶} ستیز با مشرکان متعرض به ساحت مسلمانان، تشریح و البته صلح با مشرکان طبق آیه ۶۱ انفال^{۱۷} هم جایز شمرده شد. در مرحله بعد با نزول آیه ۱۲۳ براءت^{۱۸} امر به مقاتله با کفاری که در نزدیکی دارالاسلام بودند (نه آنان که در فواصل دورتر بودند) صادر شد و در مرحله آخر با نزول آیات ۵ و ۳۶ براءت^{۱۹} درباره مشرکان و آیه ۲۹ این سوره درباره اهل کتاب، اعلان جنگ به همه کفار داده شد (معرفت، ۱۳۶۸: ۳۱۵/۲).

اینک و پس از مشخص شدن آیات مورد مطالعه به بررسی مراحل مذکور هر زنجیره آیه می‌پردازیم.

۶. آیات صفح

۶-۱- آیات صفح ناظر به مشرکان

در مرحله اول با توجه به مکی بودن سوره‌های جاثیه و زخرف مشخص می‌شود که این آیات در زمان ضعف مسلمانان و نبود قدرت حاکمه مرکزی اسلام و در دوران حکمرانی بدون حکومت پیامبر اعظم (ص) نازل شده است. با توجه به سیاق آیه ۱۴ جاثیه، مسلمانان به این علت مأمور به روی گردانی و ترک مجادله و مخاصمه با مشرکان می‌شوند که خداوند آنان را در روز جزا (به‌عنوان یکی از ایام‌الله) به جزای اعمال‌شان می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶۴/۱۸). این بیان خود حاوی مژده‌ای برای مسلمانان و دل‌گرم‌کننده آنان است. اگرچه با توجه به منطق قرآنی آیات ۱۴ و ۱۵ براءت^{۲۱}

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت... (ستاریان و گرجی‌ازندریانی) ۱۲۱

می‌توان دل‌گرمی مؤمنان را با دخیل دانستن آنان در تحقق وعده الهی در عصر قدرتمندی اسلام افزون نمود.

با در کنار هم قراردادن آیات ۱۴ و ۱۵ براءت و ۱۴ جاثیه دل‌گرم و امیدوارسازی مردم در هر مرحله از حرکت انقلابی، هم ناظر به موفقیت‌های دنیوی و ظاهری و هم حمایت‌های اخروی الهی را می‌توان به‌عنوان یک اصل تنظیم‌گرانه حکمرانی پذیرفت. قراردادن این اصل به‌عنوان یک اصل تنظیم‌گر ناشی از آن است که بدنه مردمی حرکت‌های انقلابی بر اثر فشار و سختی‌ها، عدم توفیق‌های مقطعی و مانند آن، ممکن است دچار شک و تجدیدنظر در اصل حقانیت آرمان‌های انقلاب بشوند و از این رو تکرار و تذکار آینده این حرکت، آن هم با پشتوانه قول حق و وعده صدق خداوند متعال، روحیه مقاومت و پایداری را در مردم راسخ‌تر نموده و مانند یک تنظیم‌گر اجتماعی عمل می‌کند.

آیه ۸۹ زخرف نیز حامل پیام مهمی است. این آیه ضمن تهدید مشرکان در عین آنکه جمعیت مسلمانان مکلف به خویشن‌داری در برابر کفار هستند، به پیامبر (ص) امر به خداحفاظی‌ای بدون بازگشت و بدون هیچ باکی نسبت به ترک این جماعت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲۷/۱۸). این‌گونه رعایت عزت در برابر دشمن حتی زمانی که دست برتر قدرت را در مقابل با او نداری؛ ولی به‌حدی منطقی تو در برابر منطق آنان قوی است که هیچ پاسخی در برابر تو ندارند و تو پشت‌گرم به یاری خداوند هستی، درس بزرگی می‌باشد. در حکمرانی بدون حکومت و دوران دعوت، سیاست‌گذاری این دوران در عین دفع تهدیدهای بزرگ‌تر با عدم مقابله به مثل و تحمل آزارها و خروج تدریجی نیروها از حیظه عمل دشمن یا همان هجرت، برخورد عزت‌مندانه و از موضع گفتمانی برتر با دشمنان است.

در مرحله بعد با نزول آیه ۳۹ حج، اصل سیاست‌گذارانه تسلیم نشدن در مقابل تحمیل‌ها را می‌توان استخراج کرد. توضیح آنکه اگرچه در وهله نخست، طبیعت استکباری دشمنان حرکت‌های انقلابی با عدم پذیرش دعوت حق، مؤمنان به راه حق را تحت فشار قرار می‌دهد تا به تسلیم بکشاند و آرمان آن‌ها را منهدم سازد، اما به‌عنوان یک سیاست کلی، چه در دوران ضعف و چه دوران آغاز قدرت-گیری جبهه حق، تسلیم‌ناپذیری در برابر فشارها و تحمیل‌ها باید جاری باشد. از این‌رو با نخستین جرقه‌های شکل‌گیری قدرت، دستور به مقابله به مثل صادر می‌شود و از این جهت در ادامه اصل تنظیم-گرانه پیش‌گفته، روحیه امید و مقاومت به مجاهدان این عرصه بیش از پیش تزریق می‌گردد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه این آیه اولین آیه درباره جهاد و اعلام اذن جهاد به مسلمانان است، سیاق آیات قبل و بعد آن فضاسازی مناسبی برای انشای اذن قتال ایجاد می‌کند. از این فضاسازی درمی‌یابیم که نوع ابلاغ فرمانی به اهمیت و صعوبت جهاد باید در یک پیوست رسانه‌ای صحیح و

کامل انجام گیرد. با توجه به آنکه سیاق آیات ۳۸ تا ۵۷ حج را می‌توان واحد دانست، می‌بینیم که ابتدا با وعده دفاع خداوند از مؤمنان آغاز می‌شود و پس از آن آیه اذن جهاد می‌آید. با مراجعه به این آیات درمی‌یابیم که این سیاق یک نوع آماده‌سازی روانی مؤمنان برای انجام یک حرکت بزرگ است که اگرچه در ظاهر امر سختی‌های بسیاری دارد؛ ولی با توجه به ثمره شیرین آن و همچنین وعده‌های بزرگ دنیوی و اخروی الهی این سختی‌ها آسان می‌گردد. با توجه به این مقدمات می‌توان اصل سیاست‌گذارانه لزوم پیوست رسانه‌ای قوی در تغییر شرایط اجتماعی منجر به تغییر تکلیف را استفاده کرد.

همچنین با توجه به بحث انشای اذن برای نخستین بار و با توجه به روایات پیرامون این آیه و شأن نزول آن (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۹۵/۱۴) و با توجه به اهمیت بحث قتال و سخت‌گیری شارع نسبت به امر دماء، اقدام تحت فرمان حاکمیت دینی را نیز می‌توان به‌عنوان یک اصل تنظیم‌گرانه ذیل عنوان اعمال مقررات معرفی کرد. بدیهی است که اقدامات خودسرانه در این‌گونه امور برای جامعه اسلامی هزینه‌ساز خواهد بود و هرگونه تقدم یا تأخر از وقت مقتضی فرمان خسارات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.

اما آیه نهایی این سیر که آیه ۵ برائت است، دارای نکات مهمی می‌باشد. از آنجاکه مشرب این تحقیق بررسی آیات در سیاق است، ابتدا باید فضای نزول و سیاق آیات ابتدایی سوره توبه مورد مذاقه قرار گیرد.

در سال نهم هجری پیش از ابلاغ آیات برائت، غزوه تبوک (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ۲۷۶/۲) و پس از آن کشف و خنثی‌سازی توطئه منافقان مدینه در مسجد ضرار (ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۲۹/۲) رخ داد. با ابلاغ سوره برائت نیز خنثی‌سازی توطئه مشرکان قریش انجام شد. به‌عبارتی سال نهم هجری علاوه بر آنکه در اثر گسترش فضای تبلیغی حاصل از صلح حدیبیه و فتح مکه با رجوع گروه‌های بسیار به مدینه برای شنیدن حرف اسلام، سنه الوفود نام گرفت (ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۵۹/۲) سال خنثی‌سازی توطئه‌های سه دشمن اصلی جبهه حق نیز بود.

توضیح آنکه پس از گذشت ۲۲ ماه از انعقاد صلح حدیبیه در سال ششم و در پی نقض پیمان قریش، در نهایت فتح مکه در سال هشتم هجری واقع شد. ولی با این حال طبیعی بود که مشرکان قریش بر اثر تعصبات جاهلی خود دست به توطئه‌هایی بزنند (رجبی، ۱۳۸۰: ۲۰۹/۸، ذیل «امام علی(ع) در عهد پیامبر»). اگرچه در منابع تاریخی شرح مفصل این توطئه‌ها نیامده است؛ اما ماجرای متواتر (امینی، ۱۳۷۶: ۴۹۵/۶) تعویض مأمور ابلاغ این آیات در میانه راه و سپرده شدن این مأموریت به امیرالمؤمنین(ع)، آن هم به‌عنوان فردی که از خود پیامبر(ص) است، نشان‌دهنده فضای

سخت حاکم بر مکه علیه اسلام و کانون توطئه بودن آنجاست. این مرکزیت توطئه به‌گونه‌ای است که کسی جز شخص رسول‌الله (ص) یا امیرالمؤمنین (ع) با آن شایستگی‌های بی‌مانندش نمی‌توانست ابلاغ‌گر این آیات باشد. همچنین پس از ابلاغ براءت توسط امیرالمؤمنین مشرکان در اعتراض، از ابلاغیه رسول‌الله (ص) اعلام براءت کردند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۵). این فضا مؤید وجود توطئه‌ها از سوی مشرکان قریش حتی بعد از فتح مکه و سرکوب شدن‌شان است. در پی این توطئه‌ها و طبق آیه ۵۸ انفال^{۲۲} پیامبر (ص) اقدام به اعلام براءت از مشرکان به‌دست امیرالمؤمنین (ع) نمود. مفاد ابلاغی امیرالمؤمنین (ع) به مشرکان از این قرار بود که ایشان پس از قرائت آیات ابتدایی سوره براءت، اضافه کردند:

۱. از این پس هیچ‌کس، حق برهنه به‌جا آوردن حج ندارد.
۲. هیچ مشرکی حق ورود به خانه خدا و انجام حج را ندارد.
۳. هرکس که با پیامبر (ص) پیمان و قراردادی دارد تا پایان قرارداد و هرکس قراردادی ندارد تا چهار ماه مهلت دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۲۹۱/۲).

پس از آن طبق آیه ۵ براءت، هیچ مشرکی در امان نخواهد بود، مگر آنکه اسلام بیاورد. از فضای نزول این سوره می‌توان به این نکته پی برد که اسلام به هیچ عنوان تحمل هیچ‌گونه شرک و کفری را نخواهد کرد و تنها مانع او برای هدم یک‌باره این بنیان، برخی واقعیت‌های خارجی مانند قراردادهای با مشرکان یا ضعف درونی قوای جمعی و تشکیلاتی مسلمانان و یا عدم اتمام حجت با دشمنان است. اسلام با شرک سر ستیز دائمی دارد و نخستین گامی که برای نابودی این غده سرطانی جوامع بشری برمی‌دارد، دعوت مسالمت‌آمیز اقشار مختلف مردم به معارف و آئین این دین مبین است. در ادامه وقتی این دعوت با مخالفت و عناد طواغیت مواجه می‌شود، مجبور به دفاع از خویش شده و ابتدا با ایجاد تشکیلات مخفی و طی فرایندی با ایجاد تشکیلات حکومتی در این کارزار ورود می‌کند و گاهی قراردادهایی را برای فرو نشاندن آتش جنگ‌ها و عصبیت‌ها منعقد می‌نماید. یکی از دلایل بستن این قراردادها این بود که اسلام بتواند فضای تبلیغی مناسبی فراهم آورد و به گسترش معارف اسلامی در میان بشریت پردازد. اما اگر دشمن بر لجاج و عناد خود مصر باشد، با تدابیر خود او را به زانو درآورده و این موانع رشد انسانیت را که به هیچ عهد و پیمانی وفا نمی‌کنند، از سر راه برمی‌دارد تا ندای دعوت به حق را بدون مانع گسترش دهد و بشریت را به سعادت موعود برساند. نیک روشن است که چون غرض این سیر هدایت بشر به دین حق است و هدایت بدون تفکر معنا ندارد، حتی پس از اتمام حجت، راه توبه را باز می‌گذارد. از این‌رو در آیات براءت نیز در قالب امهال^{۲۳}، تهدید^{۲۴}، نصیحت^{۲۵}، شرط گذاشتن^{۲۶}، استثنا آوردن^{۲۷}، امان دادن به پناهنده و بازگرداندن

پناهنده‌ای که دعوت اسلام را نپذیرفته به مأمّن خویش^{۲۸} و تبیین چرایی عملکرد خود (برای مثال در آیات ۷ تا ۱۳ برائت)، برای دشمن هم اتمام حجت می‌کند و هم راه نجات پیش پایشان می‌گذارد و هم مشروعیت کار خود را چه برای دشمن، چه برای نیروهای تحت فرمان و چه برای شخص ثالث اعلام می‌نماید. در همه این احوال مشخص می‌شود که اسلام تشنه خون نیست و اگرچه هم‌اکنون برخلاف دفعات قبل ابتدائاً دستور به قتال می‌دهد^{۲۹}، با این حال راه برگشت را کاملاً باز می‌گذارد. بعد از این همه مدارا و این همه فراز و نشیب طی گذشت بیست و دو سال از آغاز بعثت کسی که تن به دعوت حق ندهد و بخواهد مانع راه گسترش اسلام بشود، طبیعتاً کشتن او در مقابل به سعادت رسیدن خیل عظیم بشری بنا بر قاعده اهم و مهم، نه تنها ظلم نبوده، بلکه خلاف عدالت هم نیست. نکته‌ای که در اینجا باید متذکر شد این است که مشرکان دارای قرارداد با پیامبر (ص) که نقض عهد نکرده‌اند نیز پس از اتمام مدت قرارداد و بنا به نظر آیت‌الله خامنه‌ای با چهارماه مهلت پس از آن باز در صورت بقا بر شرک در امان نخواهند بود. این نکته به ماهیت شیطانی شرک بازمی‌گردد که ولو کسانی هستند که در دوران عهدشکنی سایر مشرکان به پیمان خود وفادار مانده‌اند، اما ذات شرک و اسلام سرسازش با یکدیگر ندارند و حتی این گروه‌ها نیز یا باید اسلام را بپذیرند یا تن به قتال بدهند. به نوعی این مطلب راه خدعه‌های بعدی را نیز سد می‌کند. ذکر این نکته نیز لازم است که در پایان مهلت در سال دهم هجری، با این سیاست مدبرانه الهی مشرکی در شبه جزیره باقی نماند، مگر آنکه مسلمان شد و عملاً جنگی اتفاق نیفتاد (طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۴/۱۰). یعنی این سیاست چندبُعدی به عالی‌ترین صورت نتیجه‌بخش بود.

از این مطالب در مقام حکمرانی می‌توان به موارد زیر رسید:

• اصول سیاست‌گذارانه

۱. لزوم حرکت به سمت قدرت هرچه بی‌شرتر برای حفظ کیان اسلام و مقابله با دشمنان از مجموعه زنجیره آیات صفح این اصل به خوبی مستفاد می‌گردد.
۲. عدم تحمل شرک و مترصد بودن برای ریشه‌کنی نهایی آن در هر حال از آنجا که ذات شرک حرکتی انحرافی از مسیر اصلی خلقت و سدی در مقابل سعادت بشری است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۱۳) پس به‌عنوان یک سیاست کلی نباید تحمل شود، اگرچه حرکت در مسیر ریشه‌کنی آن نیازمند تدابیر زمان‌بر نیز باشد.
۳. لزوم تهدید قاطع دشمن و به رخ کشیدن ضعف و زبونی آنان در برابر جبهه حق این مورد از تکرار عجز کفار نسبت به خداوند در آیات ۲ و ۳ برائت^{۳۰} به‌دست آمده است. سیاست اسلامی به پشتوانه خداوند متعال و منطق قوی الهی و مجاهدت‌های مسلمانان

همواره به تضعیف روحیه دشمن می‌پردازد تا بدین طریق هم امکان پیروزی با کم‌ترین مقاومت از سوی دشمن برایش حاصل گردد و هم از این طریق خون کم‌تری ریخته شود.

۴. تعریف عرصه‌های قدرت جدید خلاف موازین معمول دنیوی

توضیح آنکه در عصر جاهلی که ملاک پیروزی کشتن خصم و نابود کردن وی بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۱۱)، اسلام با تسهیل‌گری‌های خود حتی در قبال دشمن عنودی که کار را به تخییر بین قتال و تسلیم کشانده، نوعی عرصه قدرت جدید تعریف می‌کند که در آن دیگر ملاک کشتن افراد نیست و با داخل کردن دشمن ذیل حاکمیت خود علاوه بر حفظ جان وی و کاهش عصبیت‌ها، فضا را برای جذب قلبی او به اسلام فراهم می‌سازد و این‌گونه قدرت‌نمایی می‌نماید.

• اصول تنظیم‌گرانه

۱. اعلام عمومی سیاست‌ها و امر پنهانی ندانستن موضوعات

این موضوع به‌ویژه در مسائل با اهمیت بالا هم از جهت رفع شبهات در هنگام عمل و هم از جهت تبیین ماجرا بسیار لازم است. این موضوع از آیه ۳ براءت و کلمه «اذان» در آن استفاده می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۲۳۴/۳۳).

۲. استفاده از بزرگ‌ترین رسانه جمعی از حیث زمان و مکان در اعلام عمومی سیاست‌ها
این اصل برگرفته از «یوم الحج الاکبر» در آیه ۳ براءت است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۲۳۴/۳۳).

۳. اصل امهال پس از اتمام حجت جهت تصمیم‌گیری مختارانه خصم
این اصل نشان از تسهیل‌گری دارد. طبق آیه ۲ براءت، با توجه به غرض اسلام که هدایت است و خود مشرکان با سوءرفتار خود کار را به این نقطه کشانده‌اند، اما باز انواع تسهیلات برای بازگرداندن آنان به راه حق در نظر گرفته شده است.

۴. قاطعیت عمل پس از مهلت دادن و تسلیم نشدن دشمن و ادامه توطئه‌ها

این اصل نیز از تهدید صریح آیه ۵ براءت به دست می‌آید.

۵. آمادگی تبلیغی داشتن برای رساندن کلام الهی به پناهندگان

این مورد را می‌توان ذیل ساختارسازی آورد. با توجه به آیه ۶ براءت^{۳۱}، جامعه اسلامی باید ساختار تبلیغی قوی‌ای برای کسانی که با میل خود و برای شنیدن کلام الهی داوطلب می‌شوند، داشته باشد.

۶. تأکید چندباره بر اسلام آوردن به عنوان راه پایان مجازات

با توجه به تکرار راه توبه در آیات ۲ و ۵ و ۱۱ برائت^{۳۲} در حقیقت اسلام با نمایاندن دوگانه هزینه - فایده برای دشمن به تنظیم عملکرد او در قبال اتمام حجت حاکمیت اسلامی می‌پردازد.

۷. بیان گذشته دشمن و جنایات و عهدشکنی‌هایشان در حق مؤمنان

براساس آیات ۷ تا ۱۳ برائت^{۳۳} و بنا بر احتمال تبلیغات دشمنان و مظلوم‌نمایی‌هایشان، این حرکت تبیینی هم جلوی تعویض جای جلاد و شهید را می‌گیرد، هم در تعویض نسل‌ها داخل مرزهای اسلامی مانع از ایجاد شکاف نسلی می‌شود.

۲-۶- آیات صفح ناظر به اهل کتاب

در مرحله نخست این زنجیره، آیه ۱۰۹ بقره متضمن هشدار پیرامون اهل کتاب است. اینکه این گروه مشغول توطئه هستند و از اینکه اسلام بخواد عزت و آقایی پیدا کند، به شدت هراسناک‌اند. یهود مدینه که خود را قشر فرهیخته آن دوران می‌پنداشت، به علت ترکیب دو عنصر «شناخت» و «عناد»، طبیعتاً زودتر از سایر گروه‌ها متوجه مسیر رو به تعالی اسلام می‌شد. اگرچه توطئه آنان با توجه به زمان نزول سوره بقره در سال‌های ابتدایی حضور پیامبر (ص) در مدینه، در جای خود مهم است، اما جامعه اسلامی نباید درگیری با دشمن اصلی، یعنی قریش را فراموش کرده و در محل استقرار حاکمیت خویش و تا پیش از به زانو درآوردن دشمن اصلی به برخورد شدید با این گروه بپردازد؛ بنابراین امر به صفح و انتظار برای رسیدن فرصت مقتضی متوجه مسلمانان می‌شود.

با توضیحات گفته‌شده، اصل سیاست‌گذارانه لزوم توجه متناسب به توطئه دشمنان و اصل تنظیم‌گرانه صبر راهبردی و انتظار به منظور فراهم شدن شرایط اقدام را می‌توان از اصول به دست آمده از این آیه عنوان کرد.

همان‌طور که ذکر شد، آیه دیگر این مرحله آیه ۱۳ مائده است که در آن به صراحت توطئه دائمی یهود مورد توجه قرار می‌گیرد. در مرحله نهایی با نزول آیه ۲۹ برائت دستور «یا اسلام یا قتال یا جزیه» صادر می‌شود که به بررسی آن می‌پردازیم.

آیت‌الله خامنه‌ای آیات ۲۹ تا ۳۵ برائت^{۳۴} را مربوط به یک سیاق می‌داند. در آیه ۲۹ حکم اهل کتاب و در آیات بعدی تعلیل و توضیح آن آمده است. از دلایل اینکه باید با اهل کتاب نیز به قتال پرداخت وجود عقاید انحرافی و خلاف واقع در آن‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۰۱).

تفاوتی که میان قتال با اهل کتاب و قتال با مشرکان وجود دارد در بحث امکان جزیه دادن گروه نخست است. از این تفاوت در حکم می‌توان اصل تنظیم‌گرانه دیگری نیز استخراج کرد که از آن به تفاوت‌گذاری در برخورد با دشمنان براساس قرابت عقیدتی به حق تعبیر می‌کنیم. تفاوت احکام

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت ... (ستاریان و گرجی‌ازندریانی) ۱۲۷

فقهی جهاد میان این گروه‌ها، خود شاهد صحت این برداشت است. این تفاوت‌ها در طبقه‌بندی دشمنان امروزی اسلام هم مفید خواهد بود و می‌توان با استخراج ملاک‌ها در تعاملات پیچیده جهانی امروز نیز سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری مقتضی را انجام داد.

۷- آیات معاهده

با نزول آیه ۱ براءت هرگونه معاهده میان مسلمانان و مشرکان ملغی شد. در پی پایان یافتن قراردادهای گذشته آیت‌الله خامنه‌ای عدم انعقاد هرگونه قرارداد جدید را ذیل آیه ۸ براءت^{۳۵} مطرح کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

طبق مطالبی که درباره فضای نزول سوره براءت در بخش آیات صفا گفته شد، تکلیف آیه ۱ براءت نیز از حیث حکمرانی مشخص شد. به همین خاطر به بررسی آیات منسوخ این بخش می‌پردازیم. سیاق آیه ۹۰ نساء^{۳۶}، درباره گروهی از دشمنان است که نه با مسلمانان می‌جنگند و نه دشمنان اینان را یاری می‌کنند. برابر روایات پیامبر (ص) با آنان پیمان ترک مخاصمه بست و پس از آنکه تهدید قریش را پس از نزول آیات براءت رفع کرد، اینان را نیز بین قتال و اسلام مخیر نمود (عباشی، ۱۳۸۰ق: ۲۶۲/۱). اصل اهم و مهم کردن به روشنی در این آیه به‌عنوان یک اصل حکمرانی سیاست-گذارانه تبلور دارد. نرمش در مقابل کسانی که موضع بی‌طرفی در نزاع‌های میان نظام اسلامی و دشمنان‌اش دارند، تا دفع کامل خطر دشمن اصلی امری کاملاً معقول است. همچنین مخیر کردن آنان بین اسلام و قتال بعد از اتمام حجت‌ها نیز با توجه به ستیز دائمی اسلام و شرک و با هدف بستن راه توطئه‌های احتمالی آتی، حکمرانی معقولی را به نمایش می‌گذارد.

آیه ۹۱ نساء^{۳۷} در ادامه این آیه کیاست اسلامی و مقابله صریح حاکمیت اسلام با نفاق‌ورزی بعضی گروه‌ها را بیان می‌کند. گروه‌هایی که به ظاهر به سیاست بی‌طرفی ابراز پایبندی می‌کنند، ولی مترصد ضربه زدن به مسلمانان هستند و با کوچک‌ترین فشار یا فتنه‌ای عهد خود را نقض می‌نمایند. در آیه ۹۲ نساء بحث در پرداخت دیه مسلمان مقتولی است که به خطا توسط مسلمان دیگر کشته شده و خانواده وی کافر هستند، ولی با این حال دیه وی را دریافت می‌کنند. از این آیه پایبندی به عهد و رعایت حرمت آن را در کنار عزت نهادن حاکمیت اسلامی به هم‌کیشان خود حتی در جایی که خانواده او کافر است، نشان می‌دهد. وفای به پیمان به‌عنوان یک نکته بدیهی حکمرانی اسلامی با مراعات حرمت مسلمانان با هر شرایط خانوادگی، بعید نیست که بستر جذب برای خانواده‌های کافر فراهم کند. دینی که این چنین به هم‌کیش خود احترام می‌گذارد و موازین حقوقی را در حال درباره وی لحاظ می‌نماید، در سایر ابعاد نیز پایبند این چنین موازینی خواهد بود.

آیه ۷۲ انفال یکی از مهم‌ترین نکات حکمرانی اسلامی را در خلال خود بیان می‌کند. در این آیه بحث مهم ولایت عرضی میان مؤمنانی که ولایت طولی خداوند و رسول و اولی الامر را پذیرفته‌اند، مطرح شده است. اما همین آیه بخشی از مؤمنان غیر مهاجر به دارالاسلام را از دایره این ولایت خارج کرده و کمکی را که این گروه از حاکمیت اسلامی در برابر کفار طلب می‌کنند، تنها در صورتی استجاب می‌نماید که گروه کافر هم پیمان با مسلمانان نباشد. پیمان بستن با کفار دایره مصلحتی بزرگ‌تر از منافع افراد و اقشار محدود مسلمان را داراست و جهت درک مقاصد بزرگ‌تری مانند امنیت داخلی، فراغت بال از یک دشمن برای رسیدگی به توطئه‌های دشمن دیگر، جلب منافع اقتصادی و سیاسی و دیگر منافع به‌منظور پیشبرد اهداف اسلامی را داراست. طبیعتاً آن دسته از مسلمانانی که زیر پرچم اسلام و در مرکزیت اسلام حاضر نشده‌اند و خود را در معرض تعدی کفار قرار داده و هجرت نکرده‌اند، تقدمی بر اهداف حکومت اسلامی ندارند، اما با این حال اگر توسط کافر غیر معاهدی مورد آزار قرار بگیرند، حکومت اسلامی به درخواست آنان رسیدگی می‌کند؛ چراکه این عدم تعهد نشانگر موضع خصمانه نظام اسلامی ضد آن کفار محسوب می‌شود. البته یاری طلبیدن آنان و یاری رساندن حاکمیت اسلامی، لزوماً در قالب جنگ سخت نیست و برای مثال این امکان هم وجود دارد که حاکمیت اسلامی از ابزارهای سیاسی یا اقتصادی برای رفع آزار آن گروه تحت فشار مسلمانان اقدام کند.

در مورد آیه ۱۰ ممتحنه نکات ظریفی از شیوه حکمرانی پیامبر (ص) در ماجرای صلح حدیبیه و وقایع پس از آن، با وجود عقب‌نشینی‌های ظاهری‌ای که موجب اعتراض برخی مسلمانان هم شده بود، می‌توان استخراج کرد. برای نمونه همین بحث عدم استرداد بانوانی که مسلمان شده و به سوی پیامبر (ص) هجرت می‌کردند و شوهران کافرشان در پی آنان می‌آمدند، با استناد به اینکه مفاد قرارداد فقط ناظر به مردها بوده است، یکی از نکات درس آموز در مذاکرات خارجی محسوب می‌شود.

همان‌طور که در اسناد تاریخی و حدیثی مشهور است مسلمانانی بودند که به‌ویژه لزوم استرداد مسلمانانی که از مکه به مدینه می‌گریختند، به پیامبر (ص) خرده می‌گرفتند (ابن هشام، بی‌تا: ۳۱۶/۲). ولی هوشمندی پیامبر (ص) در چینش بندهای صلح حدیبیه و کمال استفاده از جهالت و عصبیت دشمن در جهت منافع مسلمانان از مواردی است که بر فتح مبین بودن این صلح بارها صحه می‌گذارد. حتی بند استرداد نیز به‌گونه‌ای طراحی شد که پس از مدتی خود قریش داوطلبانه خواستار لغو این بند گردید؛ چراکه مسلمانانی که از مکه به مدینه می‌گریختند، با دیدن پیامبر (ص) و شنیدن کلام وحی از زبان ایشان، انگیزه دوچندان گرفته و تبدیل به یک مهره تبلیغی اسلام در دل مکه یا اطراف آن می‌شدند. حتی اگر او را می‌کشتند، بار روانی این جنایت علیه یک همشهری یا هم‌قبیله‌ای عامل

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت... (ستاریان و گرجی‌اندریانی) ۱۳۹

فشار بر قریش می‌شد. البته قریش این موضوع را آن هنگام فهمید که فردی از ایشان به مدینه گریخت و پیامبر (ص) هم او را تحویل قریش داد، ولی آن مسلمان زیرک و شجاع با گریختن از دست مأموران قریش و سکنی گزیدن در نزدیکی‌های مکه، موجب شد که دیگر مسلمانان قریش به جای فرار به مدینه در محل اسکان آن شخص به وی بپیوندند و کانون تهدید در نزدیکی مکه برای قریش بشوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۸).

در مقابل مسلمانی هم که کافر می‌شد و می‌گریخت چون عملاً در مدینه خدمتی به اسلام نمی‌کرد و چه بسا به کانون توطئه تبدیل می‌شد، با عدم استرداد او فراغتی برای حاکمیت اسلام حاصل می‌شد و دیگر مجبور به مبارزه داخل مرزهای تشکیلات خود با توطئه‌گران این چنین نبود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۸).

اما زنان مسلمان شده اگر مسترد می‌شدند با توجه به فرهنگ جاهلی ضد زن قریش، قوه تبلیغی مناسبی برای اسلام نبودند و حتی جان‌شان در خانه‌هایشان هم در خطر بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۶۰) پیامبر (ص) با هوشمندی تمام در مقابل شوهران این زنان، مفاد قرارداد صلح را تنها ناظر به مردان دانستند و در مقابل طلب رد مهریه، فوراً مهریه را به او مسترد می‌کردند. منبع پرداخت این وجوهات نیز از بیت‌المال بود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۹/۲۴) و این نشان‌گر حمایت ویژه نظام اسلامی از این زنان و در ابعاد گسترده‌تر از تمام زنان تحت حاکمیت اسلام است.

همچنین امتحان کردن این زنانی که رنج سفر به مدینه را کشیده بودند، یکی دیگر از وجوه متمایز حکمرانی حضرت برای جلوگیری از فتنه و فساد داخل مرز اسلامی بود؛ چراکه ممکن بود زنی تنها به خاطر اختلافات زناشویی به مدینه بیاید، یا حتی به قصد نفوذ در حاکمیت اسلامی یا از روی فتنه‌گری و فساد و دل در گرو مرد مسلمانی غیر از شوهر خود داشتن! (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۶۰) امتحان این زنان برای فهم صدق ایمان‌شان خود یکی از اساسی‌ترین ابعاد کیاست نبوی بود، به‌طور خاص با توجه به ابعاد گوناگونی که می‌توانست مهاجرت یک زن به دارالاسلام داشته باشد. نوع امتحان هم چیزی بیش از یک قسم دادن نبود که مهاجرت‌شان فقط برای خداست. این تسهیل‌گری به نوبه خود یکی از اصول مهم حکمرانی می‌باشد.

حال با این توضیحات به اصول حکمرانی زیر دست می‌یابیم:

• اصول سیاست‌گذارانه

۱. لزوم کیاست در انعقاد قراردادها

این یک لزوم عقلانی و عقلایی است، جلب بیش‌ترین منفعت، طراحی عملیات فریب، استفاده از نقاط ضعف دشمن در انعقاد قرارداد، محکم کردن مجازات طرف خاطی در

قرارداد و ... از نقاط برجسته صلح حدیبیه بود. این ویژگی‌ها مشخصاً حاکی از شناخت واقعیات صحنه نزاع با دشمن و شناخت ظرفیت‌های درونی جبهه حق است.

۲. توجه خاص به حوزه بانوان به‌ویژه در شرایط سخت

از آن‌رو که امر حاکمیت و اداره جوامع اغلب در دست مردان بوده است و از آنجا که مدیریت تربیتی هسته‌های تشکیل‌دهنده جامعه، یعنی خانواده، به‌عهده زنان می‌باشد و آسیب دیدن ایشان در سختی‌ها فراتر از حد تصور مردان است، از این‌رو بایسته است اهتمام خاص حاکمیت متوجه حوزه زنان باشد. همچنین در اجرای هر سیاستی تسهیل‌گری در حوزه بانوان به‌منظور انجام بهتر وظایف تربیتی‌شان در حیطه خانواده مراعات شود.

۳. کلان‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت در قبال وقایع روز

ماجرای صلح حدیبیه اتفاقی بود که در بازه زمانی کوتاهی برای جامعه اسلامی رخ داد و در عین حال نگاه کلان پیامبر (ص) و برنامه‌ریزی بلندمدت ایشان در این موضوع که با شناخت عمیق دشمن، درنهایت هم منجر به لغو بند استرداد و هم فتح مکه شد، حاکی از لزوم این نگاه عمیق و راهبردی برای پیشبرد اهداف است.

• اصول تنظیم‌گرانه

۱. پیشگیری از وقوع توطئه با برخورد غیرمستقیم با توطئه‌گر

در صلح حدیبیه قریش ملزم نبود مسلمانی که به‌سوی کفار گریخته را تحویل مسلمانان بدهد. همان‌طور که گفته شد، حضور این‌گونه فردی در دارالاسلام می‌توانست بذر توطئه ضداسلام باشد و با کیاست نبوی این رفع توطئه در قالب یک امتیاز به دشمن نمایانده شد.

۲. سهم‌دهی به تبیین عملی حکمت عقب‌نشینی‌های ظاهری در مقابل تبیین صرفاً زبانی

در قراردادهای میان حاکمیت اسلامی به‌ویژه با دشمنان، افکار عمومی گرفتار این سؤال خواهد شد که چگونه با کسانی که تا دیروز سر هیچ‌گونه سازشی نداشتیم، این‌گونه قراردادهایی بسته می‌شود. این امر نیز طبیعی است که مصالح دقیق و کلانی که منجر به برخی تصمیمات می‌گردد، به‌علت احتمال وجود جواسیس دشمن در جامعه قابل انتشار نیست. اگر این احتمال کاملاً منتفی بود اصل عدم محرمانگی میان حاکمیت اسلامی و مردم مقتضی این بود که تمام جوانب در اختیار مردم گذاشته شود، ولی چون این شرایط به‌ویژه در حالت مخاصمه محقق نمی‌گردد، باید سهم تبیین عملی دستاوردها با گذر زمان

پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت... (ستاریان و گرجی‌ازندریانی) ۱۳۱

را سنگین‌تر کرد تا با تکرار تجربه‌های این چنین برای افکار عمومی در قراردادهای آتی نیز اعتماد عمومی دچار تزلزل نشود.

۳. استفاده از ساده‌ترین و شامل‌ترین راهکارها برای تأمین بیش‌ترین منافع و دفع بیش‌ترین خطرات

در مسأله امتحان زنان مهاجر، همان‌طور که ذکر شد، یک مهاجرت می‌توانست از ابعاد ناموسی تا جاسوسی برای حاکمیت اسلامی تبعات ایجاد کند. اما همه این ابعاد با مطرح شدن بحث قسم خوردن به‌عنوان یک راه پذیرفته شده اجتماعی در آن دوران (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۶۱)، تحت هدایت حاکمیت اسلامی درمی‌آمد. یعنی تنها راهکاری که اسلام برای جلوگیری از آسیب‌ها در این ابعاد مختلف ایجاد کرد، در عین سادگی کارآمد و مؤثر و شامل هم بود. این مسأله در حیظه قانون‌گذاری بسیار مهم است.

۴. مقدم کردن اعتبارسنجی افراد جهت خدمات‌دهی

امروزه که بحث‌های اقتصادی پُررنگ شده است، شاید عبارات این بند برای ما در این حوزه تبادر ذهنی بسازد، اما در بحث امتحان زنان مهاجر به‌روشنی می‌بینیم آن خدمات اجتماعی که این زنان بناست دریافت کنند به‌حکم الهی منوط به امتحان شدن است. این اصل را می‌توان در امور مختلف اجتماعی نیز ساری دانست و با این کار افراد صاحب صلاحیت را برای دریافت خدمات خاصی که طلب می‌کنند، انتخاب کرد.

حال وقتی همه این آیات با آیات براءت نسخ مشروط می‌شود، یعنی ابعدی که ناظر به وفای به پیمان با کفار بوده دیگر محترم شمرده نخواهد شد. یعنی دیگر اقوامی که موضع بی‌طرفی می‌گرفتند، نمی‌توانند بر موضع خود باقی بمانند، دیه مسلمان مقتول به خانواده کافر نمی‌رسد. همچنین چون دیگر بنا نیست شرک تحمل شود، معنای دارالکفر و دارالهجرة رنگ می‌بازد و همه‌جا دارالاسلام محسوب شده و هر تحرک مشرکان ضد مسلمانان پاسخگو می‌کند. درنهایت هم هیچ کافری حق مطالبه مهریه زن خود را نخواهد داشت و علاوه بر گسسته شدن علقه زوجیت او، از نظر مالی نیز هیچ جبرانی برای وی نخواهد شد.

بدیهی است این‌گونه از بین رفتن معاهدات، یک اتفاق بزرگی در عرصه سیاسی است و هر حاکمیت اسلامی این فرایند به‌زانو درآوردن کامل دشمن مشرک را باید در حوزه حکمرانی خودش به‌عنوان یک ایده‌آل در دستور کار قرار دهد. امروزه و با توجه به گستردگی و پیچیدگی سیاست جهانی و تبدیل شدن گره زمین به واحدهای درهم تنیده و مختلف سیاسی و نیازهای متقابل کشورها به یکدیگر، نیل به فضای براءت کامل از مشرکان بسیار بعید می‌نماید و از آنچه که طبق معارف مهدوی به ما نمایش

داده شده است، اجرای کامل برائت از مشرکان تنها به دستان مبارک حضرت حجت (عج) رخ خواهد داد. به همین علت نکات حکمرانی دوران معاهدات نبوی با رعایت سیاست فرایندی حرکت به سمت به‌زانو درآوردن کامل دشمن، باید در دستور کار حکومت‌های اسلامی باشد.

۸- آیات بیانگر تدریجی بودن تشریح قتال

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، مرحله نخست تشریح قتال با نزول آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...» (حج، ۳۹) آغاز شد که توضیحات آن در بخش آیات صفح گذشت. اما پیرامون آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ بقره که بخش دیگری از آیات این مرحله است، توضیحاتی لازم به ذکر می‌باشد. ویژگی این آیات این نیست که مقاتله با کفار مشروط به مقاتله بالفعل آنان با مسلمانان باشد، بلکه چون حال کفار قریش حال مقاتله با مسلمانان است، مسلمانان حق مقاتله با آنان را دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۶۰/۲). توجه به این نکته که کار این دشمنان فتنه است و فتنه از آدم‌کشی بدتر است، از نکات بارز این آیه می‌باشد که از آن سیاست اولویت دفع فتنه را می‌توان نتیجه گرفت.

چگونگی تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری در این آیات بسیار حائز اهمیت و قابل‌الگوگیری است. بعد از صدور اجازه ابتدایی برای قتال با مشرکان به‌صورت مطلق و بدون ذکر شرایط آن در آیات ۳۹ و ۴۰ حج، با نزول آیات مذکور از سوره بقره ۵ حوزه پیرامونی این قانون بیان می‌شود. در آیه ۱۹۰ بقره با عبارت «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» اصل حکم بیان می‌شود و با عبارت «لَا تَعْتَدُوا» نظام‌مندی این دستور و شرط غیر عدوانی بودن قتال مطرح می‌شود. در آیه ۱۹۱ بقره و با عبارت «وَأَقْتُلُوهُمْ» لزوم شدت عمل در اجرای این قانون تذکر داده می‌شود. در عبارت «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» نیز محدوده جغرافیایی قتال و شرط جواز جنگ در محدوده ممنوع تعیین می‌گردد و در آیه ۱۹۳ بقره و با بیان «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» انتهای زمانی این جنگیدن به‌صورت کیفی مشخص می‌شود. بعد از آن در آیه ۱۹۴ این سوره به عبارت «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرُمَاتُ فَاصْطُرْ مَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ» مقابله به مثل بودن عملیات نظامی مسلمانان موردتوجه قرار می‌گیرد و از این رهگذار مذموم بودن آغازگری جنگ نیز مورد اذعان قرار می‌گیرد و در نهایت با آیه ۱۹۵ و در گزاره «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» راه تأمین مالی چنین حرکتی بیان و به تصدی‌گری مردم در آن اشاره می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۶۰/۲).

این سیاست مرحله به مرحله اگرچه در آن زمان در حیطه جزیره‌العرب پیاده‌سازی شد، ولی از آن‌رو که بنا و مأموریت اسلام، ستیز مطلق با شرک در هر کجای جهان است، قابلیت پیاده‌سازی در حیطه‌های مختلف را داراست، اگرچه تحقق عملی آن در گستره تمام جهان تنها به‌دست حضرت صاحب‌الزمان (عج) متصور است. نام این سیاست را می‌توان مبارزه تا رفع فتنه از همه عالم نامید.

توضیحات آیات مراحل بعدی این بخش در قسمت‌های پیش گفته این پژوهش ذکر شد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق که تلاشی ابتدایی برای استخراج اصول حکمرانی از قرآن کریم با رویکرد نسخ مشروط و مطابق نظرات ارائه‌شده توسط آیت‌الله خامنه‌ای در دروس تفسیری ایشان بود، سعی شد برخی اصول حکمرانی نبوی در بستر شواهد تاریخی صدر اسلام ارائه شود. اصل زیربنایی استخراج‌شده در این تحقیق حرکت به سمت براءت کامل از مشرکان و مبارزه تا رفع فتنه از همه عالم است که تحقق آن به‌طور کامل به‌دست حضرت حجت (عج) خواهد بود. بنابراین برای دست‌یابی به آن آرمان باید اصول حکمرانی متناسب با دوران پیش از ظهور تدوین شود و ضرورت اعمال سیاست‌هایی مانند حرکت در مسیر قدرتمندتر شدن حاکمیت اسلامی، تهدید قاطع دشمن، تعریف عرصه‌های جدید قدرت، اصل اهم و مهم در اجرای اصل عدم تحمل شرک، دل‌گرم‌سازی نیروهای مردمی انقلاب، لزوم پیوست رسانه‌ای قوی، کلان‌نگری و اولویت دفع فتنه و تنظیم‌گری متناسب با این سیاست‌ها بیش‌تر می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
۲. فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوا مِنْهُمْ وَاقْتُلُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ...
۳. قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.
۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ / أَسْأَلُكُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تُفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقْبِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِّعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.
۵. آیت‌الله خوئی (ره) در «البيان في تفسير القرآن» پس از رد ادعاها درباره سایر آیات ناسخ و منسوخ، تنها در آیه نجوا نسخ را جاری می‌دانند.
۶. برگرفته از تعریف مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.
۷. قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.
۸. فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ.
۹. ۚ إِنَّ لِلَّذِينَ يُعَاتِلُونَ بَأْتَهُمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.
۱۰. وَكَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَدُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
۱۱. فِيمَا نَقَضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.
۱۲. إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَضِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَمَاتُلُوكُمْ قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يَمَاتِلُوكُمْ وَآلَفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا.

١٣. و ما كان لمؤمن أن يقتل مؤمناً إلا خطأً و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبته مؤمنة و دية مسلمة إلى أهله إلا أن يصدقوا فإن كان من قوم عدو لكم و هو مؤمن فتحرير رقبته مؤمنة و إن كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فدية مسلمة إلى أهله و تحرير رقبته مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة من الله و كان الله عليمًا حكيمًا.
١٤. إن الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم في سبيل الله و الذين آووا و نصرؤا أولئك بعضهم أولياء بعض و الذين آمنوا و لم يهاجروا ما لكم من ولايتهم من شيء حتى يهاجروا و إن استنصروكم في الدين فعليكم النص إلا على قوم بينكم و بينهم ميثاق و الله بما تعملون بصير.
١٥. يا أيها الذين آمنوا إذا جاءكم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله أعلم بإيمانهن فإن علمتموهن مؤمنات فلا ترجعهن إلى الكفار لا هن حل لهم و لا هم يحلون لهن و اتوهن ما أنفقوا و لا جناح عليكم أن تنكحوهن إذا آتيتهن أجورهن و لا تفسكوا بعصم الكوافر و سنلوا ما أنفقتم و ليسئلوا ما أنفقوا ذلكم حكم الله يحكم بينكم و الله عليم حكيم.
١٦. و قاتلوا في سبيل الله الذين يقاتلونكم و لا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين/ و اقتلوهم حيث تفتنموهم و أخرجوهم من حيث أخرجوكم و الفتنة أشد من القتل و لا تقاتلوه عند المسجد الحرام حتى يقاتلوكم فيه فإن قاتلوكم فاقتلوهم كذلك جزاء الكافرين/ فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم/ و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين لله فإن انتهوا فلا عدوان إلا على الظالمين/ الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمات قصاص فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم و اتقوا الله و اعلموا أن الله مع المتقين/ و أنفقوا في سبيل الله و لا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة و أحسنوا إن الله يحب المحسنين.
١٧. ستجدون آخرين يريدون أن يأمنوكم و يأمنوا قومهم كلما زدوا إلى الفتنة أذكسوا فيها فإن لم يعترلوكم و تلقوا إليكم السلم و يكفوا أيديهم فخذوهم و اقتلوهم حيث تفتنموهم و أوليكم جعلنا لكم عليهم سلطاناً مبيناً.
١٨. و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توكل على الله إنه هو السميع العليم.
١٩. يا أيها الذين آمنوا قاتلوا الذين يلونكم من الكفار و لجدوا فيكم غلظة و اعلموا أن الله مع المتقين.
٢٠. إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السموات و الأرض منها أربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم و قاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة و اعلموا أن الله مع المتقين.
٢١. قاتلوهم يعدبهم الله بأيديكم و يحزهم و ينصركم عليهم و يشف صدور قوم مؤمنين/ و يذهب غيظ قلوبهم و يئب الله على من يشاء و الله عليم حكيم.
٢٢. و إما تخافن من قوم خيانة فانبذ إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين .
٢٣. فسبحوا في الأرض أربعة أشهر ... (برانت، ٢).
٢٤. ... و اعلموا أنكم غير معجزى الله و أن الله مخزي الكافرين (برانت، ٢).
٢٥. ... فإن تبتم فهو خير لكم ... (برانت، ٣).
٢٦. ... فإن تابوا و أقاموا الصلاة و آتوا الزكاة فخلوا سبيلهم إن الله غفور رحيم (برانت، ٥).
٢٧. إلا الذين عاهدتم من المشركين ثم لم ينقضوكم شيئاً و لم يظاهروا عليكم أحداً فاتموا إليهم عهدهم إلى مدتهم إن الله يحب المتقين (برانت، ٤).
٢٨. و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون (برانت، ٦).
٢٩. و كانت سيرة رسول الله ص قبل نزول سورة البراءة أن لا يقاتل إلا من قاتله- و لا يحارب إلا من حاربه و أراذه- و قد كان نزل عليه في ذلك من الله عز و جل «فإن اعتزلوكم فلم يقاتلوكم- و ألقوا إليكم السلم- فما جعل الله لكم عليهم سبيلاً» فكان رسول الله ص لا يقاتل أحداً قد تنحى عنه- و اعتزله حتى نزلت عليه سورة البراءة و أمره الله بقتل المشركين من اعتزله- و من لم يعتزله إلا الذين قد كان عاهدهم رسول الله ص يوم فتح مكة إلي مدة (قمي، ١٣٦٣: ١/٢٨١).

۳۰. فسیحوا فی الأرض أربعة أشهر و اعلموا انکم غیر معجزی اللہ و ان اللہ مخزى الکافرين/ و اذان من اللہ و رسوله إلى الناس یوم الحج الأكبر ان اللہ بری من المشرکین و رسوله فان تبتم فهو خیر لکم و ان تولیتم فاعلموا انکم غیر معجزی اللہ و بشر الذین کفروا بعذاب الیم.

۳۱. و ان احد من المشرکین استجازک فأجره حتى یسمع کلام اللہ ثم یبلغه ما منه ذلك بانهم قوم لا یعلمون.

۳۲. فان تابوا و اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة فإخوانکم فی الدین و نقصل الآيات لقوم یعلمون.

۳۳. کیف یكون للمشرکین عهد عند اللہ و عند رسوله إلا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقیموا لهم ان اللہ یحب المتقین (۷) کیف و ان ینظروا علیکم لا یرقبوا فیکم إلا و لا ذمة یرضونکم بأفواههم و تأبى قلوبهم و اکثرهم فاسقون (۸) اشتروا بآیات اللہ تمناً قليلاً فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا یعملون (۹) لا یرقبون فی مؤمن إلا و لا ذمة و أولیک هم المعتدون (۱۰) فان تابوا و اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة فإخوانکم فی الدین و نقصل الآيات لقوم یعلمون (۱۱) و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم ینتهون (۱۲) أ لا یقاتلون قوماً نکثوا ایمانهم و هموا بإخراج الرسول و هم بدوکم اول مرة أ تحسونهن فالله أحق ان تحسوه ان کنتم مؤمنین (۱۳).

۳۴. قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم اللہ و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الکتاب حتى یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون (۲۹) و قالت الیهود عزیر ابن اللہ و قالت النصارى المسیح ابن اللہ ذلك قولهم بأفواههم یضاهون قول الذین کفروا من قبل فأتاهم اللہ اتى یؤفکون (۳۰) اتخذوا أخبارهم و رهبانهم أرباباً من دون اللہ و المسیح ابن مریم و ما أمروا إلا لیعبدوا لها واحداً لا إله إلا هو سبحانه عما یشرکون (۳۱) یریدون أن یطفؤا نور اللہ بأفواههم و یأبى اللہ إلا أن ینیم نوره و لو کره الکافرون (۳۲) هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دین الحق لیظهره على الذین کله و لو کره المشرکون (۳۳) یا ایها الذین آمنوا ان کثیراً من الأخبار و الرهبان لیاکلون أموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل اللہ و الذین ینکثون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللہ فبشرهم بعذاب الیم (۳۴) یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لانیفسکم فدوقوا ما کنتم تکفرون (۳۵).

۳۵. کیف و ان ینظروا علیکم لا یرقبوا فیکم إلا و لا ذمة یرضونکم بأفواههم و تأبى قلوبهم و اکثرهم فاسقون.

۳۶. إلا الذین یصلون إلى قوم بینکم و بینهم میثاق أو جاؤکم حصرت صدورهم ان یقاتلوا فوهمهم و لو شاء اللہ لسلطهم علیکم فلقاتلوکم فان اعترزوکم فلم یقاتلواکم و اتقوا انیکم السلم فما جعل اللہ لکم علیهم سبیلاً.

۳۷. ستجدون آخرین یریدون أن یأمنوکم و یأمنوا قومهم کما زدوا إلى الفتنه ازیسوا فیها فان لم یعترزوکم و یلقوا انیکم السلم و یکتفوا ایدیهم فخذوهم و اقتلوهم حیث یتفتموهم و أولیکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

عربی

۱. قرآن کریم
۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، ثلاث رسائل فی الجهاد، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. معرفت، محمدهادی (۱۳۶۸)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶. امینی، عبدالحسین (۱۳۷۶)، الغدیر، جلد دوم، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
۸. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۳۰ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثه.
۱۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العملیه الاسلامیه.
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۱۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت: دارالمعرفه.
۱۳. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۱)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، بی‌جا: مکتب الاعلام اسلامی.
۱۴. ابن هشام، عبدالملک (بی‌تا)، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۱۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.
۱۷. الزبیدی، المرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

فارسی

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، تفسیر سوره براءت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، تفسیر سوره ممتحنه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، تسنیم، جلد سی و سوم، قم: مرکز بین المللی نشر اسراء.
۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. قرانتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۷. نصیری، علی (۱۳۸۷)، معرفت قرآنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴)، شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم: مؤسسه تمهید.
۹. جمعی از نویسندگان به کوشش رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه امام علی (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پیااده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت ... (ستاریان و گرجی‌ازندریانی) ۱۳۷

منابع اینترنتی

۱. خسروپناه دزفولی، عبدالحسین (۱۴۰۰)، برای استقرار «دولت اسلامی» باید «حکمرانی اسلامی» محقق شود، بازیابی شده از: شورای عالی حوزه علمیه خراسان <http://www.shorakh.com>
۲. بی‌نام (بی‌تا) تعاریف و مفاهیم حکمرانی، بازیابی شده از: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی <https://governanceschool.ir>





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی